



دروغ از ضعف بر می خیزد/ انسان چگونه دروغگو می شود؟

دروغگو چون فاقد دانش است می خواهد نقص خود را به وسیله ادعای دروغ جبران کند، چون فاقد شایستگی است؛ با دروغ می خواهد خود را شایسته بنمایاند.

خبرگزاری مهر- دروغگو چون فاقد دانش است می خواهد نقص خود را به وسیله ادعای دروغ جبران کند، چون فاقد شایستگی است؛ با دروغ می خواهد خود را شایسته بنمایاند.

رسول خدا (ص) می فرماید "دروغگویی از پستی روح ریشه می گیرد". دروغگو چنین می پندارد که بی ارزش بودن خود را می تواند به وسیله سخن دروغ جبران کند. فرد دانا احتیاج به دروغگویی ندارد، چون دارای دانش است. شایستگان احتیاج به دروغگویی ندارند، چون شایستگی دارند. ثروتمند نیازی به دروغگویی ندارد، چون مال و منال دارد. دارندگان فضیلت، دارندگان قدرت، احتیاجی به دروغ گفتن ندارد، چون فضیلت دارند، قدرت دارند.

عطر خودش می بوید، نیازی به ستودن عطر نیست، وقتی به ستودن عطر نیازمند می باشد که فاقد بوی خوش باشد. دروغگو چون فاقد دانش است می خواهد نقص خود را به وسیله ادعای دروغ جبران کند، چون فاقد شایستگی است؛ با دروغ می خواهد خود را شایسته بنمایاند، چون فاقد ثروت است، چون فاقد فضیلت است، چون فاقد قدرت است و می خواهد این خلا خود را به وسیله دروغ پرکند.

اگر دیده اید که قدرتمندان، گردن کلفتان و زمامداران دروغ می گویند، دروغ آنها از آن جهتی است که فاقدند و چیزی در دست ندارند. کسی که گناهی نکرده، نیازی به دروغ ندارد، ولی گناه کار می خواهد سیاه رویی گناه را به وسیله دروغ از خویش بشوید و خود را بی گناه و پاکباز معرفی کند.

همان طور که دروغگویی از بی عرضگی است. ربا خواری نیز از بی لیاقتی و بیکارگی است. رباخوار اگر عرضه داشته باشد، کار می کند، تجارت می کند، زراعت می کند و در نتیجه ثروتمند می شود، ولی رباخواری عرضه این کارها را ندارد، نالایق است، کاری از او ساخته نمی شود، فقط صدی چند نزول بگیرد و بخورد و بخواند. رسول خدا (ص) فرمود: دروغ از ربا بالاتر است. کسی که رباخواری کند مجبور می شود دروغ بگوید.

آغاز دروغ گویی

امام صادق (ع) می فرماید: "برای دروغگو شدن این بس که انسان هرچه می شنود نقل کند". خبرهایی که در زندگانی روزانه به گوش می خورد، نمی توان گفت که همه راست است. کسی که هر چه می شنود نقل کند، سخنش نزد خردمندان ارزش ندارد.

علمای حدیث، دانشمندانی را که بر ضعفا اعتماد کرده یا از آنان نقل حدیث می کنند، چندان محترم نمی شمارند. دروغگو انسان نیست، بلکه کمتر از حیوان است. انسان نیست چون فضیلت انسان بر موجودات دیگر، سخن است. سخنی که اخبار از حقیقت باشد و گرنه یاوه سرایی را سخن نمی تواند نامید و دروغگو را از سخن بهره ای نیست، چون اخبار از حقیقت در گفتارش پیدا نمی شود؛ پس سخن دروغگو با بانگ جانوران یکسان است و جز خسته کردن گوش اثری ندارد. کمتر از حیوان است، چون در بانگ حیوان، خیانت راه ندارد، ولی سخن دروغگو خیانت می باشد.

بنابراین ارزش جانوران از دروغگویی که خود را انسان می پندارد، بیش است. بسیار سوگندخوردن، کار خوبی نیست و سبک شمردن نام مقدسی است که بدان سوگند خورده می شود. اگر سوگند دروغ باشد زشت تر از زشت خواهد بود، زیرا پلیدی دروغ را دارا می باشد، به اضافه سبک قراردادن مقام مقدس، که زشت ترین بی ادبی است.

رسول خدا (ص) می فرماید: کسی که کالای خود را به وسیله ی سوگند دروغ بفروشد، در زمره کسانی خواهد بود که خدای تعالی در روز قیامت با او سخن نگوید و بر وی نظر رحمت نیندازد و عملش را قبول نکند. کسی که کارش به دروغ، سوگند خوردن باشد، از بدبخت ترین مردم در دنیا و آخرت خواهد بود. کسی که عاقل باشد دروغ نمی گوید هر چند دلش بخواهد.

این نوشته بر دیوار جنوبی کاخ آپادانا به فرمان داریوش کنده شده است: خدا این کشور را، از دشمن، از خشکسالی و از دروغ حفظ نماید. از این سخن دانسته می شود که داریوش از سه چیز برکشورش بیم داد: دشمن، خشکسالی و دروغ. خطر دشمن از ناحیه بیگانگان است. خشکسالی بلایی است آسمانی که جز سیاه روزی و مرگ همگانی ثمری ندارد. دروغ ایمان را می برد و کشور را از درون ویران می سازد. ایمان که رفت هر جرم و جنایی ارتکابش آسان می شود.